

تئاتر

تالیای

هامبورگ

ترجمه: مریم بافکر پور



صمیمی «تالیا» باتماشاکرانش است؛ مواقعی که احتی در هامبورگ ثروتمند، وضعیت اقتصادی مطلوب نباشد، بازهم «تالیا» موقعیت ممتاز و غیر قابل رقابت خود را حفظ می‌کند. «یورگن فیلم» در توضیح به اختصار چنین می‌گوید: «مراقب بودیم که هرگز هیچ شک و تردیدی در مورد «تالیا» در ذهن تماشاگران بروز غلبه و در این کار موفق شدیم و قصد داریم به این روال ادامه دهیم. نخستین اصلی که رعایت می‌کنیم این است که هرگز برای طرح این مساله که آیا پول تماشاگران برای تئاتر «تالیا» به در رفته است یا نه، بهانه ای بدست ندهیم.» با در نظر گرفتن این مساله که پرداخت کنندگان مالیات هامبورگ، تئاتر «تالیا» را با سوبسیدی بالغ بر ۲۹ میلیون مازک در سال حمایت می‌کنند، این موفقیت بزرگی محسوب می‌شود.

از زمانی که «یورگن فیلم» تصدی امور تالیارا به عهده گرفت، بر آن بود تا با اجرای مجموعه نمایشنامه‌ها در سطح نسبتاً وسیع تاسرحد امکان طیف گسترده‌تری از مردم را جذب نماید. و در واقع در انجام این مهم موفق بوده است. «تالیا» با ۱۱۰۰ مشترک خود در رأس فهرست‌های مشترکین همه تئاترهای شهرهای آلمان قرار می‌گیرد. نخستین تولیدی تئاتری «فیلم» در «تالیا» در سال ۱۹۸۵، تحت عنوان «پیر گنت» Peer Gynt، اثر ایبسن، نمایشی ۶ ساعته - معیاری را بنا نهاد

دلپذیر. اما نمایی قدیمی سردر، اگر نخواهیم بگوییم کهنه، پوششی بیش نیست. در پس این نمای ظاهری، یک مرکز تئاتر بسیار مدرن و برجسته وجود دارد. یک مرکز پر قدرت هنرهای نمایشی که با توجه به سودمندی فعالیت‌هایش، بسختی می‌توان نظیر آنرا در نقطه دیگری از آلمان یافت. در هر فصل یک گروه نسبتاً کوچک ۴۲ نفری بازیگر مرد و زن، با دیگر پرسنل هنری، برنامه‌ی شامل تقریباً ۱۵ نمایش را به روی صحنه می‌برند که تقریباً بالغ بر ۴۰۰ نمایش می‌شود. چنین برنامه‌ی منهای صبر و شکیبایی تمامی دست اندرکاران، بازیگران، کارگردانان، کارگردانان هنری یا پرسنل فنی، را می‌طلبد یا چنانکه ولفگانگ وینز (Wolfgang Wiens) سرپرست کارگردانان هنری می‌گوید، آنها را به مرز خود استثماری سوق می‌دهد. ایجاد توازن میان خلاقیت و خستگی فیزیکی کار دشواری است.

یکی از عواملی که در موفقیت «یورگن فیلم» (Jurgen Film) مدیر تئاتر که از ۱۹۸۵ در «تالیا» این سمت را عهده‌دار می‌باشد، دخیل بوده است، ایجاد این توازن با درک بسیار عالی از اینکه چه هنگام و با چه سرعتی اقدام لازمه را باید انجام داد، بوده است. خصیصه‌ی که در کنار کیفیت هنری بسیار بالای تئاتر «تالیا»، آن راممتاز و برجسته می‌سازد، رابطه بسیار خوب و تقریباً

تئاترها جزیره هستند. این عبارت، بدون نیاز به توضیح بیشتر، مفهومی خاص به آن می‌بخشد که کاملاً گویا است. گرچه شاید تنها برای آن دسته از کسانی که به تئاتر عشق می‌ورزند و لذت می‌برند، مسحور آن شوند. تئاترها جزایر افسون شده‌ای هستند که «سیرسه» (Circe) بر آنها حکم می‌راند و «اومیوز» (Museum) حقیقی تئاتر است. در یک جزیره افسون شده، دگر دسی‌هایی می‌یابید، این پدیده شگفت، ویژگی مشخصه حشرات، که تئاتر نیروی خود را از آن می‌گیرد. بدینسان بود که «لارو» ۳ و ماسک، سمبل تئاتر شدند.

تئاتر «تالیا» در واقع همچون جزیره‌ای، یا بهتر بگوییم، همچون آبادی در محله سرد و بیروح مرکز اداری و تجاری هامبورگ نزدیک ایستگاه اصلی واقع شده است. ساختمانی با یک نمای قدیمی سر در ورودی ساختمان. این نما به سبک یونانی و به شکل پرستشگاه رب النوع‌های علم و هنر به رنگ زرد افری، ارغوانی طرح ریزی شده است. منظره‌ای

که وی مصمم بود آن را در سالهای آتی مورد استناد قرار دهد. این تولید تئاتری یک رویداد فرهنگی مهیج در هامبورگ بود. چنانچه خود وی می‌گوید: «تماشاگران استقبال بسیار گرمی از آن بعمل آوردند.» تعداد بسیاری تولیدات بسیار خوب دیگر به روی صحنه آمد، تولیداتی از «رابرت ویلسون» آمریکایی که برجسته‌ترین اثر بشمار آمد. نمایش *The Black Rider* او با بزرگترین موفقیت در تاریخ تئاتری «تالیا» روبرو شد. آمیزه‌ای عالی و بسیار حرفه‌یی از تئاتر پیشرو و موزیک که در آن متن (ویلیام است. بارافس Burroughs)، موسیقی (تام ویتس Tom waits)، حرکات ریتمیک، صدا، نور، ساختمان صحنه و جلوه‌های ویژه همگی به هم در آمیخته بودند تا مجموعه‌یی جذاب بیافرینند. این تولید شگفت‌ناز تنها موفق شد تماشاگران نوجوان را جذب تئاتر «تالیا» سازد، بلکه شور و شوق بسیاری را در آن دسته از کسانی که بیشتر به تئاتر سنتی گرایش داشتند، برانگیخت. مهمتر از همه آنکه «تالیا» با این تولید نمایشی «رابرت ویلسون» بنحو جالبی در صحنه تئاتر بین‌الملل ظاهر گشت. بی‌اغراق، آخرین آثار کهنه پرستی از میان رخت بر بست. لازم به ذکر نیست، هواخواهان پر شور تئاتر هامبورگ مشتاقانه در انتظار *Time Rocker* نمایش جدید ویلسون هستند. نخستین شب این نمایش در ماه ژوئن است. در اینجا به هیچ وجه بر آن نیستیم که موفقیت‌های بسیار بزرگ گروهی نمایشی «تالیا» تحت سرپرستی «پورگن فیلم» را به شالوده‌هایی که بر مبنای آن‌ها می‌توانست موفقیت‌هایی کسب کند، نسبت دهیم. معیارهایی که سالها قبل از انتساب او توسط «بوی گابرت» (Boy Gobert)، مدیر سابق «تالیا»، در نظر گرفته شده بود. «گابرت» از سال ۱۹۶۹ تا ۱۹۸۰ مدیریت «تالیا» را بعهده داشت. اصولاً «تالیا» از بدو تأسیس بعنوان یک تئاتر کمدی شهرت یافته بود. «گابرت» می‌بایست با به کارگماردن کارگردانان جوانی از قبیل «هانس نوین فلز» (Hans Neuenfels) و «پیتر زادک» (p. Zadek)، با سامان دادن وضعیت مالی تئاتر، جلب توجه تماشاگران از طریق ذوق و قریحه بازیگری خودش و نیز جذابیت آلمان شمالی‌اش و، تا حدی، با پذیرفتن خطر ارائه تعدادی نمایش بسیار دشوار به تماشاگران، تصویر کاملاً نوینی از آن ارائه دهد. آیا راهی بهتر از این برای احترام گذاردن به تماشاگران وجود دارد؟

«بوی گابرت» ادبیات نوین را به «تالیا» معرفی نمود و «پورگن فیلم» این خط مشی را با استقامتی خاص تداوم بخشید. او به شیوه‌هایی شگفت و متهورانه کار می‌کند که همگی این شیوه‌ها در خدمت رها ساختن تئاتر از قیود ناتوریالیستی هستند. در عوض، یک سمبلیسم جدید همگام با

اشکال بیان سوررئالیستی بر آن تأثیر می‌گذارد که بوضوح حیات تازه‌ای به عصر ما، والبت به عصر نوجوانان ما می‌بخشد و ساختارهای نوین در دوره «گابرت»، که هدفش از میان بردن پروا و محافظه کاری احتمالی تماشاگران برای رویارویی با نمایش‌های مدرن و دشوار بود، در تالیا استقرار یافت. «پورگن فیلم» از این سنت مدیرانه پیروی نمود. تعداد بسیاری رویدادهای ادبی و موزیکال نیز در برنامه رسمی گنجانده شده است و در حال حاضر آثار «جان کیج» (John Cage) موزیسین پیشرو و سایر آهنگسازان معاصر در فاصله برنامه‌های «تالیا» معرفی می‌شوند. سری برنامه‌های «جمعه شب» شامل قرائت متن توسط اعضای گروه است و بعنوان مثال، قرائت «گزارش به آکادمی»، «کافکا» یا از متن (Juke box) پیتر هندکه (Handke) یا از آثار «کانتی» (canetti) که توسط «پرونوگانز» (Ganz) قرائت می‌شوند. همچنین قرائت متن توسط نویسنده خود متن بخش ثابتی از برنامه کار «تالیا» است. با قرائت متن توسط «الیس شوانتیز» (A. Schwarzer) از کتابش در مورد «کنس ماریون دونوف» یا قرائت «آنتونی کوئین» هنرپیشه معروف سینمای معاصر از بیوگرافی تازه منتشره وی که خود به نگارش در آورده است و و تمامی آنچه که گفته شد نمی‌تواند گویای تمامی قابلیت‌های تئاتر «تالیا» که از محدوده فعالیت‌های صرفاً فرهنگی تجاوز می‌کند، باشد. بعنوان مثال، در سال ۱۹۹۲، «تالیا» رویداد عظیمی را در اعتراض بر علیه «بیگانه ترسی» با شعار «ماهرگز فراموش نخواهیم کرد»، برگزار کرد. امسال افتتاحیه «هفته‌های برادری» یک نمایش اجرای بعد از ظهر کار «پیتر فرانک» در صحنه‌هایی از نمایش «درک» (Dreck) اثر «رابرت اشنایدر» (R. Schneider) بود. در سری برنامه‌های «میدادگاه تالیا» یک پروژه تئاتری در همگامی با مراسم یادبود اسرای جنگی، «نوین گامه» (NEUENGAMME) نمود یافت. این مراسم در ارتباط با محاکمه «کوریهاوز» (Curio (House) هامبورگ بود که در آن احکامی در مورد جنایتکاران «اس.اس» آن اردوگاه صادر شد.

کار تئاتری در «تالیا» چیزی بیش از صرفاً به روی صحنه بردن نمایش است. یک تئاتر مدرن که در آرزوی متجلی ساختن ارزش حقیقی این هدف است، نمی‌تواند صرفاً یک جزیره باشد چه برسد به جزیره سعادت‌منداها و خوشبخت‌ها، بنابراین نظر «پورگن فیلم» تئاتر، بعنوان یک سازمان خلاق آگاهی، مسئولیت مهمی نیز در قبال جامعه دارد و این مسئولیت را تا زمانیکه با تلاش و کوشش فراوان نیروی اخلاقی سنتی خود را، که از اینها گذشته ریشه در یونان قدیم دارد، حفظ می‌کند، برعهده خواهد داشت. اگر بایست تئاتر توانمند باقی بماند،

می‌بایست از صحنه بیرون آید. یعنی باید بعنوان یک میانجی، یک مصلح در سیاست و وقایع جاری دخیل شود: تئاتر بعنوان یک مجمع عمومی، یک مؤسسه فعال در زمینه اجتماعی، کیفیات و خصوصیات ناچیز و کم بها نیستند که مردم را جذب تئاتر، و در نتیجه جذب ادبیات می‌سازند، و گرنه اینقدر به هنر نمایشی علاقمند نبودند.

برآورد بعمل آمده مایه افتخار است: جذب مردم و بخصوص نوجوانان تا حد امکان به تئاتر. این روند تنها در صورتی موفق است که سنت از دیر باز شناخته شده تئاتر تداوم بخشیده بود. اگر تئاتر در اینکه مؤسسه‌یی باشد که حفظ سنت می‌کند، پافشاری نماید، نخواهد توانست در برابر تغییرات سریعی که در دورنمای فرهنگی رخ می‌دهد، از خود حمایت نماید. «پورگن فیلم» در توضیح می‌گوید: «ما داریم نتایج حاصل از توسعه خارق العاده صنعت سرگرم سازی که تئاتر را بیش از پیش به انزوا می‌کشاند را تجربه می‌کنیم - باید تلاش‌های تئاتر در راستای مقاومت در برابر این توسعه را شدت بخشید. در ضمن، کسر بودجه فعلی موجب می‌شود که حقانیت هنر ما بیش از پیش زیر سؤال رود. و یک جزء اساسی این حقانیت، البته تماشاگران ماهستند. «تئاتر «تالیا» با شجاعت با این دشواری مقابله می‌کند. این تئاتر بر تئاتر دشوار که همان جان و حیات است، صحنه می‌گذارد. «تالیا» یک تئاتر «فعال» است.

۱. Circe، در ادیسه، افسانه یونانی، نام ساحره بی که مردم را به چانور بدل می‌کرد. (م.)
۲. muse، ۹ دختر زئوس که هر یک از آنها الهه یکی از انواع علم یا هنر بشمار می‌آمدند که از جمله آنها تالیا (الهه کمدی) بود. (م.)
۳. لارو، نوزاد کرم مانند حشره پس از ترک تخم و قبل از بالدار شدن (م.)